

حدیث ذباب: آموزه‌های طبی یا حدیثی مجعول

علی نصیری*

چکیده

یکی از روایات پرچالشی که در جوامع حدیثی اصیل اهل سنت و منابع غیر اصیل شیعه راه یافته حدیث ذباب است. بحث و گفتگو درباره صحت و سقم این حدیث بالا گرفته است و تاکنون درباره این حدیث چند نظریه ارائه شده است. نگارنده، در این مقاله، به بررسی جایگاه این حدیث در منابع روایی فریقین و نقد و بازکاوی پنج دیدگاه مذکور پرداخته و به این نتایج دست یافته است که خاستگاه اصلی این روایت، منابع روایی اهل سنت است و چنین حدیثی با سند قابل قبول در منابع حدیثی معتبر شیعه ذکر نشده است. کلید واژه‌ها: حدیث ذباب، جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت، صحت سند، حدیث مجعول.

مقدمه

حدیث ذباب، به صورت‌ها و مضامین مختلف، در عموم جوامع و منابع حدیثی اهل سنت، بویژه در صحاح سته منعکس شده است. مضمون شایع آن، این عبارت است:

إذا وقع الذباب فی اناء أحدکم فلیغمه، فإن فی أحد جناحیه داء فی الاخری شفاء، و آتیه یؤخر الشفاء و یقدم السم؛

هرگاه مگس در ظرف یکی از شما بیافتد، مگس را در ظرف شناور کند؛ زیرا در یکی از بال‌های مگس، بیماری و در دیگری شفاست و مگس شفا را مؤخر و سم را مقدم می‌دارد.

خوشبختانه منابع اصیل حدیثی شیعه از این حدیث عاری است. با توجه به این که این حدیث در منابع معتبر حدیثی نقل شده و از سویی دیگر، دستاوردهای علمی با مفاد آن ناسازگار است، ستیز علمی میان صاحب‌نظران مختلف در دفاع و یا ردّ حدیث بالا گرفته است؛ چنان که این حدیث از

سوی مخالفان و معاندان اسلام به عنوان وسیله‌ای برای تضعیف دین و آموزه‌های نبوی و به سخره گرفتن آنها، مورد سوء استفاده قرار گرفته است.

در این مقاله ضمن بررسی منابع حدیثی اهل سنت و شیعه - که این حدیث در آنها ذکر شده - و نیز چگونگی استفاده فقیهان از آن، برای اثبات حلیت مردار حیوان فاقد نفس سائله (خون جهنده) دیدگاه‌های مختلف را در تحلیل حدیث ذیاب بررسی می‌کنیم.

در برخی از روایات، به جای «اناء احدکم»، «شراب احدکم»^۱ نوشیدنی شما» و در برخی دیگر، «اذا وقع فی الطعام»^۲ آمده است. در برخی دیگر، به جای «فلیغمسه؛ آن را شناور سازد» واژه «فاملقوه»^۳ یا «فیمقله»^۴ یا «فلیغمسه»^۵ آمده است. در شماری دیگر، پس از این جمله، عبارت «ثم لیطرحه»^۶ آن‌گاه، مگس را دور بریزد» یا «ثم لینزعها»^۷ مگس را از غذا جدا سازد» آمده است؛ چنان که در برخی دیگر از روایات نخست از شفابخشی یک بال مگس و سَم‌دار بودن بال دیگر^۸ و در برخی دیگر، این ترتیب عکس شده است^۹ و در برخی از روایات، از یک بال مگس با عنوان شفا یا دوا و از دیگری با عنوان سَم یا درد یاد شده است.^{۱۰} به رغم این تفاوت‌ها - که می‌تواند نشانگر راهیافت نقل به معنا در هنگام نقل حدیث باشد - در هیچ روایتی، جز موردی محدود تبیین نشده که کدام بال مگس شفابخش و کدام سَم‌دار است.^{۱۱}

یک. منابع حدیث

حدیث ذیاب در منابع شیعه

براساس فحص نگارنده، حدیث ذیاب در هیچ یک از منابع اصیل حدیثی شیعه انعکاس نیافته است. فضل بن شاذان (م ۲۹۰ق) نخستین کسی است که این حدیث را با این مضمون نقل کرده است:

اذا وقع الذباب فی اُناء احدکم فاملقوه، فان فی أحد جناحیه سماً و فی الآخره شفاء.^{۱۲}

ابن سبّور زیات (م ۴۰۱ق) در طب الاثمه^{۱۳} در باب عنوان «فی الذباب»، سه روایت آورده است.^{۱۴}

۱. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۰۰.

۲. مستد احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۴۴۳.

۳. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۱۶، مستد احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۲۴.

۴. سنن النسائی، ج ۷، ص ۱۷۸، ۱۷۹.

۵. مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۳۸، مستد احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۲۴۹.

۶. صحیح البخاری، ج ۷، ص ۳۳.

۷. همان، ص ۱۰۰.

۸. همان، ص ۳۳.

۹. همان، ج ۴، ص ۱۰۰.

۱۰. مستد احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۲۴۹، ۲۹۳، ۳۵۵.

۱۱. فتح الباری، ج ۴، ص ۲۱۳.

۱۲. الايضاح، ص ۵۳۳.

۱۳. طب الاثمه، ص ۱۰۶، ۱۰۷.

روایت نخست، همان است که محل بحث و گفتگوی ماست. در روایت دوم و سوم از نقش مگس در دور ساختن جذام از مردم سخن به میان آمده است. ویژگی قابل توجه این سه روایت، آن است که از زبان امام باقر^{علیه السلام} نقل شده است؛ البته با این تفاوت که روایت نخست را آن حضرت از پیامبر^{صلی الله علیه و آله} نقل کرده است.

طبرسی (م ۵۴۸ق)،^{۱۴} ابن ابی جمهور احسائی (م ۸۸۰ق)^{۱۵} از دیگر عالمان شیعه‌اند که روایت ذباب راه پیش از سده یازدهم ذکر کرده‌اند.

علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ق) در سه جلد از کتاب بحارالانوار حدیث ذباب را آورده است.^{۱۶} در مورد نخست، روایت را از صحیح البخاری نقل کرده است و توضیحات خطابی را در دفاع از حدیث به نقل از منابع حدیثی اهل سنت یاد کرده است.^{۱۷}

میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ق) به نقل از ابن بسطام در طب الامة^{۱۸} و عوالی اللئالی^{۱۹} آیه الله بروجردی (م ۱۳۸۳ق) در جامع احادیث الشیعة^{۱۹} و شیخ علی نمازی شاهرودی^{۲۰} (م ۱۴۰۵ق) از دیگر محدثان شیعه‌اند که روایت ذباب را نقل کرده‌اند.

چنان که پیداست، این منابع یا فاقد اصالت یا فاقد قدمت تاریخی‌اند. به عبارت روشن‌تر، حدیث ذباب در هیچ یک از کتب اربعه، یا کتاب‌های قابل قبول پیش از آن، همچون بصائر الدرجات، النوادر یا کتاب‌های شیخ مفید، شیخ صدوق و شیخ طوسی - که بنیان‌گذاران حدیث شیعه به شمار می‌روند - ذکر نشده است. درباره سایر منابع شیعی حدیث ذباب نیز باید گفت که درباره کتاب عوالی اللئالی و مؤلف آن اختلاف است. علامه مجلسی نیز حدیث را به نقل از منابع اهل سنت ذکر کرده است. مستدرک الوسائل در نقل روایت ذباب، همان است که در سایر منابع آمده است. با چنین وضعیتی، داوری درباره جامع احادیث الشیعة، بویژه آن‌که، غیر از جلد‌های اولیه، پس از فوت آیه الله بروجردی فراهم شد و کتاب مستدرک سفینه البحار چندین دشوار نیست.

صرف نظر از جوامع حدیثی، در کتب فقهی شیعه متأثر از روایات پیش گفته، حدیث ذباب راه یافته است. فقیهان شیعه در احکام نجاسات، آنجا که از عدم نجاست مایعات در اثر ملاقات با مردار حیوانات فاقد خون روان، سخن به میان آورده‌اند، به دلایلی استناد کرده که از جمله آنها حدیث ذباب است؛ زیرا در این حدیث آمده است که اگر مگس در ظرف غذایتان افتاد، آن را در غذا شناور سازید.

۱۴. مکرم الاخلاق، ص ۱۵۲.

۱۵. عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۵۸.

۱۶. بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۳۱۵-۳۱۶، ج ۳۶، ص ۴۷۹، ج ۱۰۹، ص ۲۵۲-۲۵۳.

۱۷. همان، ج ۶۱، ص ۳۱۶-۳۱۵.

۱۸. مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۲۸، ج ۱۷، ص ۳۶-۳۷.

۱۹. جامع احادیث الشیعة، ج ۲۳، ص ۲۲۷.

۲۰. مستدرک سفینه البحار، ج ۳، ص ۲۲۳-۲۲۴.

پیداست که شناور ساختن مگس باعث مرگ آن می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با وجود چنین ویژگی، نه تنها از نجاست آن غذا سخن نگفته، بلکه از شفا بخشی آن یاد کرده است.

سید مرتضی (م ۴۳۶ ق) نخستین فقیه شیعه است که حدیث ذباب را از طریق ابوهریره نقل کرده است. نقل از طریق ابی هریره نشان می‌دهد که سید مرتضی به منبعی از شیعه برای این حدیث برنخورده است. نیز با توجه به این که سید مرتضی شاگرد شیخ مفید بوده و خود استاد تأثیرگذار شیخ طوسی است، می‌توان با قاطعیت اذعان کرد که حدیث ذباب در منابع اصیل شیعه ذکر نشده است؛ زیرا اگر این حدیث در منابع شیعه وجود داشت، باید او این حدیث را از این منابع نقل می‌کرد.

ابن زهره حلی (م ۵۸۵ ق) در کتاب *غنیة النزوع*، در عین استناد به حدیث ذباب، در ردّ مخالفان، از جمله شافعی - که معتقدند مردار حیوان فاقد نفس روان، نجس است - تصریح می‌کند که این حدیث از طریق عامه نقل شده است.^{۲۱} این، گواه دیگری است بر این که حدیث ذباب در منابع شیعی نیامده است. علی بن محمد قمی^{۲۲} (م سده هفتم)، علامه حلی (م ۷۲۶ ق) در *تذکرۃ الفقهاء*،^{۲۳} و *مستهی المطلب*^{۲۴} روایت مورد بحث را با این تعبیر «آنچه روایت کرده‌اند» یا «آنچه مسلم و ابو داود آورده‌اند» ذکر کرده است. از میان فقیهان متأخر، سید عبدالله جزایری (م ۱۱۸۰ ق)،^{۲۵} محقق نراقی (م ۱۲۴۴ ق)^{۲۶} و صاحب جواهر (م ۱۲۶۶ ق)^{۲۷} از جمله فقیهانی هستند که از روایت ذباب نام برده‌اند. پس از فقیهان مذکور، دیگر در میان آثار فقه‌های سده چهاردهم و پانزدهم خبری از ذکر حدیث ذباب دیده نمی‌شود.

از آنچه گفته آمد، می‌توان به این نتیجه رسید که فقیهان شیعه، عموماً، از کنار حدیث ذباب بی‌اعتنا گذشته‌اند یا اگر به آن استناد کرده‌اند، این نکته را مورد اشاره قرار داده‌اند که این روایت را از منابع اهل سنت نقل کرده و از آن به هدف پاسخ به دیدگاه فقه‌های اهل سنت نظیر شافعی بهره جسته‌اند.

حدیث ذباب در منابع اهل سنت

بر عکس منابع حدیثی شیعه، حدیث ذباب در عموم و بلکه محکم‌ترین جوامع حدیثی اهل سنت، از جمله برخی از صحاح سته آمده است. احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ق) در *مسند خود* از طریق ابوهریره از

۲۱. گفتار او چنین است: «فاما ما لا نفس سائلة فلا یجس الماء بموته فیه، بدلیل هذا الاجماع و نحتج علی المخالف بما روی من طرفهم من قوله صلی الله علیه و آله..... (غنیة النزوع، ص ۴۲).

۲۲. جامع الخلاف و الوفاق، ص ۲۶.

۲۳. تذکرۃ الفقهاء، ج ۱، ص ۵۹-۶۰.

۲۴. مستهی المطلب، ج ۱، ص ۱۶۶-۱۶۷.

۲۵. التحفة السنیة، ص ۳۱۱.

۲۶. مستند الشیعة، ج ۲، ص ۳۳۳.

۲۷. جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۳۸۸.

پیامبر ﷺ، ۲۸ دارمی (م ۲۵۵ق) ۲۹ و بخاری (م ۲۵۶ق) در صحیح خود به عنوان معتبرترین جامع روایی اهل سنت - که از آن به عنوان محکم‌ترین کتاب پس از قرآن یاد می‌شود - از این حدیث یاد کرده‌اند. بخاری در جلد چهارم کتاب خود، با گشودن بابی تحت عنوان «باب اذا وقع الذباب فی شراب احدکم فلیغسّمه، فان فی احدی جناحیه داء و فی الاخری شفاء»^{۳۰} و نیز در جلد هفتم با عنوان «باب اذا وقع الذباب فی الأثناء»^{۳۱} از ابوهریره، از پیامبر ﷺ حدیث ذباب را، با اندکی تفاوت در متن آن، نقل کرده است. ابوداود سجستانی (م ۲۷۵ق)،^{۳۲} احمد بن شعیب نسایی (م ۳۰۳ق)^{۳۳} و ابن ماجه قزوینی (م ۲۷۳ق)^{۳۴} از جمله دیگر صاحبان صحاح اهل سنت‌اند که حدیث ذباب را از طریق ابوهریره، از پیامبر نقل کرده‌اند.

از این رو، حدیث ذباب در چهار جامع حدیثی از صحاح اهل سنت ذکر شده است. پیداست با چنین وضعیتی این حدیث از نگاه محدثان و عالمان اهل سنت از جایگاه و اعتبار بس بالایی برخوردار است. با چنین رویکردی به حدیث ذباب، طبیعی است که سایر محدثان اهل سنت نیز این حدیث را نقل کرده باشند؛ چنان که اسحاق ابن راهویه، استاد بخاری (م ۲۳۸ق) در مسند خود،^{۳۵} ابویعلی موصلی (م ۳۰۷ق)،^{۳۶} ابن خزیمه (م ۳۱۱ق)،^{۳۷} طبرانی (م ۳۶۰ق) در المعجم الاوسط،^{۳۸} بیهقی (م ۴۵۸ق) در معرفة السنن و الآثار،^{۳۹} و السنن الکبری،^{۴۰} هیثمی (م ۸۰۷ق) در مجمع الزوائد،^{۴۱} متقی هندی (م ۹۷۵ق) در کنز العمال،^{۴۲} عجلونی (م ۱۱۶۲ق) در کشف الخفاء،^{۴۳} عظیم آبادی (م ۱۳۲۹ق) در عون المعبود^{۴۴} و ... حدیث ذباب را نقل کرده‌اند.

افزون بر کتب و جوامع حدیثی حدیث ذباب در فقه و منابع فقهی اهل سنت نیز راه یافته و عموم

۲۸. مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۲۲۹ - ۲۳۰، ص ۲۶۳، ۳۳۵، ۴۴۳.

۲۹. سنن الدارمی، ج ۲، ص ۹۹.

۳۰. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۰۰.

۳۱. همان، ج ۷، ص ۳۳.

۳۲. متن ابی داود، ج ۲، ص ۲۱۶.

۳۳. سنن النسائی، ج ۷، ص ۱۷۸ - ۱۷۹.

۳۴. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۵۹.

۳۵. مسند ابن راهویه، ج ۱، ص ۱۷۷ - ۱۷۹.

۳۶. مسند ابی یعلی، ج ۲، ص ۲۷۳ - ۲۷۴.

۳۷. صحیح ابن خزیمه، ج ۱، ص ۵۶.

۳۸. المعجم الاوسط، ج ۳، ص ۳۸.

۳۹. معرفة السنن و الآثار، ج ۱، ص ۳۱۷.

۴۰. السنن الکبری، ج ۱، ص ۲۵۲ - ۲۵۳.

۴۱. مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۳۸.

۴۲. کنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۸ - ۴۹.

۴۳. کشف الخفاء، ج ۱، ص ۱۰۲.

۴۴. عون المعبود، ج ۱۰، ص ۲۳۱.

صاحب‌نظران و محدثان سلف از اعتبار و حجیت آن دفاع کرده‌اند. خطابی، ابن حجر عسقلانی، نووی و... از این جمله‌اند.

دو. دیدگاه‌های صاحب‌نظران در تحلیل حدیث ذباب

مجموع دیدگاه‌ها درباره این حدیث در پنج دسته قابل‌ارائه است:

۱. حدیث سنداً و متناً صحیح است و دستاوردهای علمی با آن هم‌صداست.
۲. حدیث سنداً و متناً صحیح است، اما مقصود از آن، بیان شفابخشی بال مگس نیست، بلکه امر معنوی و اخلاقی اراده شده است؛ به این معنا که از رهگذر برخورد مؤمن با غذای آلوده شده به مگس میزان تواضع یا تکبر او آشکار می‌گردد.
۳. درباره متن حدیث باید سکوت کرد؛ زیرا هنوز دستاوردهای علمی به نتیجه‌ای در این باره دست نیافته است.
۴. سند حدیث صحیح است، اما لزومی ندارد متن آن صحیح و مطابق با واقع باشد؛ زیرا آموزه‌های نبوی در عرصه‌های غیردینی و معنوی فاقد حجیت است.
۵. حدیث مجعول است و باید دور ریخته شود. اینک به شرح این دیدگاه‌ها می‌پردازیم.

دیدگاه نخست. صحت سندی و متنی حدیث ذباب

برخی این روایت را صحیح دانسته و از مطابقت آن با علم، سخت دفاع کرده‌اند. عموم صاحب‌نظران سلف اهل سنت، همچون ابن‌قتیبه،^{۴۵} خطابی،^{۴۶} ابن‌جویری و ابن‌قیم^{۴۷} این روایت را صحیح دانسته‌اند.

ابن‌قتیبه معتقد است هرکس کار دین را بر مشاهده حمل کند و در فهم نصوص دینی کوشش ننماید، در ورطه تعطیلی و تکذیب پیامبر ﷺ گرفتار خواهد آمد. او با ارائه دیدگاه‌های پزشکان درباره مداوای سم مار یا گوشت آن یا چگونگی مداوای نیش عقرب‌ها و گاز گرفتگی سگ‌ها، از شفابخشی بال مگس دفاع کرده است.^{۴۸}

از میان معاصران، دکتر امین رضا، استاد جراح استخوان در دانشگاه اسکندریه در رد شاگردش - که این روایت را مردود دانسته بود - این‌چنین از صحت این روایت دفاع کرده است:

او حق نداشت این حدیث یا هر حدیث نبوی دیگر را به خاطر عدم موافقت با دانش امروزین

۴۵. تأویل مختلف الحدیث، ص ۲۱۳-۲۱۶.

۴۶. فتح الباری، ج ۱۰، ص ۲۱۲-۲۱۴؛ عمدة القاری، ج ۲۱، ص ۲۹۳-۲۹۴.

۴۷. الطب النبوی، ص ۸۹.

۴۸. تأویل مختلف الحدیث، ص ۲۱۳-۲۱۶.

انکار کند؛ زیرا علم، پیوسته در حال تغییر، تحول و دگرگونی است؛ چنان‌که نظریات علمی نیز در حال تغییر است. بدین جهت است که گاه، امروز چیزی را صحیح اعلام می‌کنند، اما پس از گذشت زمانی کوتاه یا طولانی آن را اشتباه می‌خوانند. اما در دوران کنونی تمام جراحانی که در این دهه اخیر زندگی می‌کنند، با چشم‌های خود دیدند که چگونه استخوان‌های زیادی و زخم‌های مزمن با مگس معالجه شده است و مگس را به خاطر چنین اهدافی پرورش می‌دهند. این معالجه بر اساس اکتشاف ویروس بکتربوفاج - که کشنده میکرب‌هاست - انجام می‌پذیرد؛ زیرا مگس، در آن واحد، میکرب‌هایی را که زمینه‌ساز بیماری هستند، حمل می‌کند. در این حدیث از یک امر غیبی - که وجود سم در مگس است - خبر داده شده و این دستاورد علمی را دانش امروزین قطعاً تنها در این دو سده اخیر کشف کرده است. البته پیش از این اکتشاف، علما می‌توانستند این روایت نبوی را تکذیب کنند؛ زیرا هیچ چیز زیان‌آوری در مگس کشف نشده بود، اما پس از کشف میکروب‌ها، آنان از نظر خود بازگشته و این حدیث را صحیح می‌شمارند.^{۴۹}

نقد دیدگاه نخست

دکتر امین رضا در سخن خود در دفاع از حدیث، از قیاس اقتراعی استفاده کرده است. کبرای قیاس ایشان این است: هر روایتی را به صرف مخالفت با دانش امروزین نمی‌توان طرح کرد؛ زیرا علم ثبات ندارد. صغرای قیاس این است: گرچه قبلاً زیان‌آور بودن و حامل سم بودن مگس شناخته نشده بود، اما در قرن اخیر اثبات شد که مگس حامل میکروب‌ها و سم است. بر این اساس، روایت صحیح است.

کبرای قیاس ایشان کاملاً منطقی و قابل قبول است؛ زیرا دور انداختن هر آموزه دینی به خاطر چنین مخالفتی، بدون توجه به قطعی بودن آن دستاورد، بنیاد دین را با خطر ویرانی روبه‌رو خواهد ساخت. اما در عین حال، باید دانست که دستاوردهای دانش بشری دو دسته‌اند: قطعی و غیر قطعی. آنچه برای نقد روایات معیار است، دستاوردهای قطعی علم است. حال می‌پرسیم اگر روایتی به صراحت و بدون احتمال تأویل، بیانگر مطلبی باشد که تنافی جوهری با دستاوردهای قطعی علم دارد، آیا می‌توان آن را پذیرفت؟

این‌که ایشان می‌گویند نظریات علمی پیوسته در حال تغییر است، آیا مقصود تحول علوم به صورت موجه کلی است یا موجه جزئی؟ اگر موجه کلی باشد، چگونه اعلان نظر دانش بشری در مورد زیان‌آور بودن مگس، طی این دو سده، معیار قضاوت ایشان شده است؟ آیا احتمال نمی‌دهند همین دستاورد نیز تغییر کند؟!

در مورد صغرای قیاس نیز باید گفت که قضاوت درباره این‌که از مگس برای از بین بردن

استخوان‌های زاید و نیز خشک کردن زخم‌های مزمن استفاده شده و با وجود فراوانی بیش از حد مگس‌ها - که تمام مردم از دست آنها در رنج‌اند - پرورش داده می‌شوند، به متخصصین فن واگذار می‌کنیم. آنچه که از کلام ایشان به دست می‌آید، حمل میکروب‌ها توسط مگس، به میزان زیاد و ناقل ویروس بودن این حیوان است. فکر نمی‌کنم این امر برای مردم در گذشته نیز پنهان بوده است؛ هر چند نمی‌دانستند نام فلان میکروب زیان‌آور ویروس است.

حال، طبق این نتیجه‌گیری، آیا باید از مگس - که در آن واحد ناقل میکروب‌های بیماری‌زاست - اجتناب کرد یا آن‌که اگر در ظرف غذای کسی افتاد، بیشتر آن را شناور ساخت تا میکروب بیشتری در غذا بریزد؟!

پرسش دیگر آن‌که اگر مگس حامل سموم است، چرا تنها در این روایات بال‌های آنها حامل سم معرفی شده است؛ در حالی که تحقیقات نشان می‌دهد که بیشتر پاهای مگس حامل میکرب است؛ چه این حیوان با پاهای خود بر سر کثافات می‌نشیند؟ دیگر آن‌که چرا یک بال مگس سم‌آور و بال دیگر شفابخش است؟! شفابخشی یکی از دو بال مگس و مسموم بودن بال دیگر آیا جزء دستاوردهای دو سده اخیر آزمایشگاه‌هاست؟ و اساساً چرا مگس در آغاز سم است و آن‌گاه داروی شفابخش خارج می‌کند؟!

اگر تنها یکی از بال‌های آن شفابخش است و فرض کنیم، در آغاز، همان بالش با غذا برخورد کرد، آیا شفابخشی مگس بر سم پاشیدن آن پیشی نگرفته است؟!

آیا همین دانش بشری - که طبق ادعای این نویسنده برده از یک دانش غیبی مکنون در روایت نبوی برداشته - به مردم توصیه می‌کند هرگاه مگس در غذایشان افتاد، آن را در غذا غوطه‌ور سازند؟! بر فرض که مگس، طبق گفتار ابن‌قتیبه، مانند مار و عقرب حامل پادزهر باشد که تاکنون چنین ادعایی ثابت نشده است، آیا تا حال کسی گفته است اگر مار یا عقربی در ظرف شما افتاد، آن را شناور کنید، چون بدن آنها شفابخش و حامل پادزهر است؟!

آیا می‌توان پذیرفت دینی که مدعی هدایت بشر تا پگاه قیامت است و خود را جامع و منطبق با نیازها و فطریات و دستاوردهای دانش بشری می‌شناسد، توصیه‌کننده به کاری باشد که افزون بر مخالف با دستاوردهای دانش بشری، با فطرت و طبع بشر نیز ناسازگار باشد؟ به راستی آیا خود این نویسنده، حاضر است مگس افتاده در غذا را با دست در آن شناور سازد؟ آیا طبع سلیم او اجازه چنین کاری به او می‌دهد؟! آیا دینی دانستن چنین مطالب موهونی زمینه‌ساز سخریه و استهزای اسلام نیست؟!

دیدگاه دوم. حدیث ذباب بیان‌گر پیام اخلاقی

برخی از صاحب‌نظران معتقدند که حدیث ذباب از جهت سند و متن صحیح است، اما مقصود پیامبر از بیان این حدیث، شفا بخشی بال مگس نیست، بلکه مقصود آن است که مومنان از رهگذر نوع

برخورد خود با غذای آلوده به بال مگس، میزان تواضع و تکبر خود را می‌توانند بیازمایند.
ابن حجر عسقلانی به نقل از برخی چنین آورده است:

احتمال دارد مقصود از بیماری در بال مگس حالتی از تکبر نفس باشد که با ترک تناول چنین غذایی و دور ریختن آن پدید می‌آید و مقصود از شفا بخشی بال مگس حالتی است که در نفس در اثر خوردن آن ایجاد می‌شود؛ زیرا او با این کار نفس خود را شکسته و تواضع نموده است.^{۵۰} پیداست که این توجیه، با ظاهر روایت، چندان سازگاری ندارد؛ زیرا در این صورت، معنا نداشت که پیامبر یک بال مگس را شفا و دیگری را سم معرفی کند و اعلام کند که مگس شفا را مقدم و سم را مؤخر می‌سازد.

دیدگاه سوم. لزوم سکوت درباره حدیث ذباب

برخی دیگر از صاحب نظران معتقدند که دستاوردهای علوم، هنوز درباره رد یا قبول این حدیث به نتیجه روشنی نرسیده است. بنابراین، لازم است درباره این حدیث از هرگونه اظهار نظر خودداری کنیم.

در پاورقی بحارالانوار، پس از نقل حدیث ذباب، چنین آمده است:

از این حدیث و احادیثی که بعد از آن می‌آید، استفاده می‌شود که در مگس ماده‌ای است ضد جذام و به عنوان پادزهر آن. از سوی دیگر، علوم امروزین به این حقیقت دست نیافته است و شایسته آن است که در این زمینه بررسی و آزمایش شود.^{۵۱}

باید توجه داشت که پیش فرض چنین نتیجه‌گیری آن است که سخنان پیامبر ﷺ به عنوان حامل وحی الهی در زمینه آخرت و دنیا باید مطابق با واقع و به دور از هرگونه خطا و اشتباه باشد و هیچ‌گونه مخالفت محرز با دستاوردهای علمی نداشته باشد. از آنجا که تاکنون چنین تناقضی میان مفاد حدیث ذباب و دستاوردهای قطعی علم اثبات نشده است، بنابراین، نمی‌توان آن را مردود دانست.

دیدگاه چهارم. عدم حجیت آموزه‌های نبوی در امور غیر دینی!

برخی معتقدند با وجود صحت سند و متن این حدیث، لزومی ندارد که به صحت متن آن باور مند باشیم؛ زیرا آموزه‌های نبوی در اموری غیر دینی و معنوی فاقد حجیت است.

باری، شناخت سود و زیان مگس مربوط به امور دنیوی است و چنان نیست که گفتار رسول اکرم ﷺ در امور دنیا نیز قابل قبول باشد؛ چنان‌که در ماجرای دیگر، آن حضرت به پیوند زدن درخت خرما برای به بار نشستن توصیه نمود، اما وقتی اشتباه آن آشکار شد، اعلام کرد که من تنها در امور

۵۰. فتح الباری، ج ۱۰، ص ۲۱۵.

۵۱. بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۳۱۲-۳۱۳.

اخروی الگوی شما هستیم.^{۵۲}

خود ایشان فرمود:

أَتَى ظَنَنْتَ ظَنًّا فَلَا تَوَاضَعْنِي بِالظَّنِّ وَلَكِنْ إِذَا حَدَّثْتَكُمْ عَنْ اللَّهِ شَيْئًا فَخُذُوا بِهِ، أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِدُنْيَاكُمْ؛
من گمان می‌کنم پس به گمان من عمل نکنید، بلکه هرگاه از خداوند سخنی را برای شما بازگو
کردم، بدان عمل کنید. شما به دنیای‌تان آگاه‌ترید.^{۵۳}

طبق این دیدگاه، اساساً مخالفت سخن پیامبر اکرم با دستاوردهای دانش بشری در زمینه این
روایت و نیز کلیه روایت‌هایی که ناظر به امور دنیاست، دلیل بر مجعول بودن آن روایات نیست؛ زیرا
حوزه و حیاتی بودن سخن پیامبر و عدم رهیافت خطا در آن، منحصر به امور عقباست، نه دنیا. طبق
این دیدگاه، پیامبر مردم را در دنیای خود داناتر از خویش می‌رداند.

نقد دیدگاه چهارم

چنین نگرشی - که میان اهل سنت متداول است - از نظر مبانی کلامی شیعه باطل است؛ زیرا:
اولاً. آیه شریفه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^{۵۴} قطعاً برای شما رسول خدا
سرمشقی نیکوست»، اطلاق دارد و امور دنیا از آن استثنا نشده است؛ چنان‌که آیه شریفه «وَمَا يَنْطِقُ
عَنِ الْهَوَىٰ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»^{۵۵} و از سر هوس سخن نمی‌گوید. این سخن به‌جز
وحی‌ای که وحی می‌شود نیست»، مطلق بوده و تمام سخنان رسول اکرم ﷺ را در برمی‌گیرد و آن را
و حیاتی می‌شناسد.

ثانیاً. فلسفه بعثت پیامبران، همان‌گونه که اصلاح آخرت مردم را در برمی‌گیرد، اصلاح امور دنیا را
نیز شامل می‌گردد.

قرآن نیز اجرای قسط و عدالت اجتماعی را از اهداف پیامبران ﷺ برشمرده است و بهسازی دنیا
در کنار آخرت، شعار قرآنی است.

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً»^{۵۶}
پروردگارا! در این دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن.

و تشکیل حکومت و به دست گرفتن زمام امور مردم و کارهایی از قبیل عزل و نصب، صلح و
جنگ، قضاوت در مراعات و ده‌ها امور دیگر - که تماماً به دنیای مردم ناظر است - جزء اهداف
گریزناپذیر پیامبران و رسول اکرم ﷺ بوده است. آیا حکومت داری، قضاوت در مراعات، عزل

۵۲. نقد الحدیث فی علم الروایة و علم الدرایة، ص ۲۷.

۵۳. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۹۵؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۴۶۴.

۵۴. سوره احزاب، آیه ۲۱.

۵۵. سوره نجم، آیه ۳۴.

۵۶. سوره بقره، آیه ۲۰۱.

و نصبها از جمله امور دنیایی مردم نیست؟ اگر چنین است، پس چرا این کارها به مردم، که طبق روایت ساختگی پیشین، از پیامبر ﷺ نیز آگاه ترند و اگذار نشده است؟^{۵۷}

اگر قرار باشد به خاطر این مبنا در کلیه روایاتی که به گونه‌ای که به امور دنیای مردم است، احتمال داده شود که با علم مخالف باشد و خطا و اشتباه در آن راه یافته باشد، آیا می‌توان به صدها روایت - که در این زمینه وارد شده - اعتماد کرد؟!

به عنوان مثال، آیا می‌توان به کلیه روایاتی که درباره بهداشت تن، دندان و ... وارد شده یا در مورد درمان بیماری‌ها توصیه‌هایی کرده یا درباره خواص گیاهان و خوراکی‌ها اظهار نظر کرده و صحت و عدم صحت آن از نظر علمی ثابت نشده، تمسک نمود؟ پیداست که نتیجه این مشرب، تعطیلی بخش عظیمی از روایات است که شاید از نظر مدافع این نظریه نیز امری ناروا تلقی گردد؛ به علاوه، اگر واقعاً پیامبر ﷺ نسبت به دنیای مردم بی‌اطلاع است؛ چرا در این مورد اظهار نظر می‌کنند؟ آیا مسأله‌ای همچون افتادن مگس در ظرف غذا جزء نیازهای جاری و پرسش‌های مردم بوده است که پیامبر ﷺ ناخواسته و العیاذ بالله از روی جهل، درباره‌اش اظهار نظر کرده باشد؟! اگر فرض بر این باشد که چنین کاری زیان‌رآور است و ممکن است انواع و اقسام بیماری‌های خطرناک در اثر عمل مردم به این توصیه پیامبر ﷺ شایع گردد و حتی موجب مرگ و میر بسیاری شود، آیا پیامبری که رحمت برای مردم است، می‌تواند پاسخگوی آن باشد؟!

دیدگاه پنجم. حدیث ذباب حدیثی مجعول

گروهی از اندیش‌وران حدیث ذباب را مردود دانسته و معتقدند با دستاوردهای علمی و دانش بشری منافات دارد، زیرا علم، مگس را حشره‌ای می‌شناسد که سراسر با زباله‌ها و ته مانده‌های غذا و ... سر و کار داشته و از این جهت حامل میکروب است، و از آنجا که پذیرفته نیست پیامبر اکرم ﷺ سخنی مخالف دستاوردهای دانش بشری فرموده باشد، پس این روایت از ایشان صادر نشده و مجعول است.

حسین حاج حسن،^{۵۸} محمود ابوریه،^{۵۹} محمد توفیق صدیقی^{۶۰} و استاد سبحانی از جمله کسانی هستند که حدیث ذباب را مردود دانسته اند.

استاد سبحانی، پس از نقل روایت، از ابوهیریه، از رسول خدا ﷺ می‌نویسد:

اعتقاد به صحت این حدیث جداً مشکل است؛ زیرا علم کشف کرده است که مگس در بال‌های خود میکروب‌های کشنده و زیان‌آور را به دوش می‌کشد و به هیچ عاقلی بر نمی‌خورم که چنین

۵۷. برای تفصیل بیشتر ر. ک: أضواء على السنة المحمدية، ص ۴۲-۴۵.

۵۸. نقد الحديث في علم الرواية والدراية، ص ۲۷.

۵۹. أضواء على السنة المحمدية، ص ۴۲-۴۵؛ شيخ المضيرة ابوهيريه، ص ۲۴۸-۲۵۴.

۶۰. دواع من وحى الشريعة ضمن دائرة السنة و الشريعة، ص ۴۱۲-۴۱۵.

گفتاری را بر زبان جاری کرده باشد! به علاوه، دل‌ها از دیدن مگس تنفر و انزجار پیدا می‌کند، با این حال، چگونه پیامبر ﷺ دستور می‌دهد مگسی که در ظرف خوردن یا آشامیدن افتاده باشد، شناور سازند و محتوای همان ظرف تناول شود؟!^{۶۱}

افزون بر نقد متنی، شماری از صاحب نظران این حدیث را از نظر سند نیز ضعیف دانسته‌اند. یکی از شواهد آنان بر این مدعا نقل تمام روایات ذباب از طریق ابوهریره است. دکتر توفیق صدقی می‌نویسد:

درباره حدیث و مقام تحدیث ابوهریره میان خود صحابه گفتگو در بین بوده است؛ خصوصاً آنجا که او در نقل یک حدیث منفرد باشد؛ چنان که از سیره او این امر به دست می‌آید.^{۶۲}

چنان که پیداست، حدیث ذباب از دو جهت سند و متن با اشکالات قابل توجهی مواجه است. بر این اساس و با توجه به ضعف سایر دیدگاه‌ها می‌توان به این نتیجه رهنمون شد که این حدیث فاقد صحت است و باید آن را از روایاتی بر شمرد که براساس مقاصد خاص ساخته و پرداخته شده و در فرهنگ و اندیشه مسلمانان راه یافته است.

نتیجه

از آنچه در بررسی حدیث ذباب آوردیم، نتایج ذیل به دست می‌آید:

حدیث ذباب، عمدتاً در منابع حدیثی اهل سنت انعکاس یافته و خوشبختانه این حدیث در هیچ یک از منابع حدیثی اصیل و قدیم شیعه منعکس نشده است.

درباره حدیث ذباب پنج نظریه ارائه شده که از میان آنها نظریه پنجم به واقعیت نزدیک تر است.

کتابنامه

- اضواء علی السنّة المحمّدیة، محمود ابوریة، قم: انصاریان، ۱۴۱۶ق.
- الايضاح، فضل بن شاذان الازدی، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۱ش.
- بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار ﷺ، محمدباقر مجلسی، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- تأویل مختلف الحدیث، ابو محمد عبدالله بن مسلم ابن قتیبة، بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا.
- التحفة السنیة فی شرح نخبة المحسنیة، سید نعمت‌الله جزایری، نسخه خطی، بی جا، بی تا.
- تذکرة الفقهاء، علامه حلی (حسن بن مطهر)، مکتبة الرضویة لاحیاء الآثار الجعفریة، موسسة آل‌البيت، لاحیاء التراث، قم: بی تا.

۶۱. الحدیث النبوی بین الروایة و الدرابة، ص ۳۶۸.

۶۲. دفاع من وحی الشریعة ضمن دایرة السنة و الشیعة، ص ۴۱۵.

- جامع الاحاديث، سيد محمّد حسين طباطبائي بروجردى، بيروت: دارالفكر، ۱۴۱۴ق.
- جامع الخلاف و الوفاق بين الامامية و بين ائمة الحجاز و العراق، على بن محمد قمى سبزوارى، قم: انتشارات زمينه سازان ظهور امام عصر^ع، ۱۳۷۹ش.
- الجامع الصحيح (صحيح البخارى)، محمد بن اسماعيل بخارى، بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۱ق.
- جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام، شيخ محمد حسن نجفى، سوم، تهران، دار الكتب العلميه، ۱۳۶۷ش.
- جهود المحدّثين فى نقد الحديث النبوى الشريف- محمد طاهر، جوايى، مؤسسات عبدالكريم بن عبدالله، تونس، بى تا.
- الحديث النبوى بين الرواية و الدراية، جعفر سبحانى، قم: موسسه امام صادق^ع، ۱۴۱۹ق.
- دفاع من وحى الشريعة ضمن دايرة السنة و الشيعة، رجا سيد حسين، بيروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۱۲ق.
- الذريعة الى اصول الشريعة، سيد مرتضى علم الهدى، تهران: دانشگاه تهران، بى تا.
- رابطة الثقافة و العلاقات الاسلامية، سيد مرتضى، تهران: الناصريات، ۱۴۱۵ق.
- السنن، محمّد بن عيسى ترمذى، بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۳ق.
- سنن ابن ماجه، محمّد بن يزيد قزوينى، بيروت: دارالكتب العلميه، ۱۴۲۳ق.
- سنن ابى داود، سليمان بن اشعث سجستانى، بيروت: دارالفكر، ۱۴۱۰ق.
- سنن الدارمى، عبدالله بن رحمن دارمى، دمشق: مطبعة الاعتدال، ۱۳۴۹ق.
- السنن الكبرى، احمد بن حسين بيهقى، بيروت: دارالفكر، بى تا.
- شيخ المضيرة ابو هريرة، محمود ابوريه، دوم، بيروت: موسسه اعلمى، بى تا.
- صحيح ابن خزيمة، محمد بن اسحاق ابن خزيمة سلمى، دوم، بى جا، المكتب الاسلامى، ۱۴۱۲ق.
- صحيح مسلم، مسلم بن حجاج نيشابورى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ۱۴۲۰ق.
- طب الائمة^ع، ابى عتاب عبدالله سابورزيات، و حسين بن بسطام، قم: منشورات رضى، دوم، ۱۳۶۳ش.
- الطب النبوى، محمد بن ابى بكر، ابن قيم الجوزى، بيروت: دار الكتب العلميه، بى تا.
- عوالى اللثالى العزيزة فى الاحاديث الدينية، ابن ابى جمهور احساى، قم: سيد الشهداء، ۱۴۰۳ق.
- عون المعبود شرح سنن ابى داود، محمد شمس الحق عظيم آبادى، بيروت: دارالكتب العلميه، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
- غنية النزوع الى علمى الاصول و الفروع، حمزة بن على ابن زهره حلبى، قم: مؤسسه امام صادق^ع، ۱۴۱۷ق.
- فتح البارى شرح صحيح البخارى، شهاب الدين ابن حجر عسقلانى، بيروت، دار المعرفة، بى تا.
- فتح البارى فى شرح صحيح البخارى، ابن حجر عسقلانى، بيروت: دارالكتب العلميه، ۱۴۱۳ق.

- كشف الخفاء و مزيل الالباس عما اشتهر من الاحاديث على السنة الناس، اسماعيل عجلوني، بيروت: دارالكتب العلمية، سوم، ١٤٠٨ق.
- كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، علي بن حسان الدين متقى هندي، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٩ق.
- مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نورالدين هيتمي، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٨ق.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسين بن محمد تقى نورى، قم: موسسه آل البيت، ١٤٠٧ق.
- مستدرک سفينة البحار، على نمازى شاهرودى، مؤسسه البعثة، قم، بى تا.
- مستند الشيعة فى احكام الشريعة، ملا محمد مهدي نراقى، قم: موسسه آل البيت، ١٤١٥ق.
- مستد ابى يعلى، ابويعلی موصلى، دمشق: دار المامون للتراث، بى تا.
- مستد احمد، احمد بن حنبل، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤١٢ق.
- المعجم الاوسط، سليمان بن احمد طبرانى، تحقيق: ابراهيم حسيني، بى جا، دارالحرمين، ١٤١٥ق.
- معرفة السنن و الآثار، احمد بن حسين بيهقى، دار الكتب العلمية، بيروت: بى تا.
- متهى المطلب فى تحقيق المذهب علامه حلى (حسن بن يوسف)، مشهد، مجمع البحوث الاسلاميه، ١٤١٢ق.
- نقد الحديث فى علم الرواية و الدارية، حسن حاج حسن، مؤسسة الوفاء، بيروت: ١٤٠٥ق.

پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی